



◀ شرمنده زن و بیچه شده‌ایم

علی، یکی دیگر از افرادی است که در شهرک سیاه‌سنگ کار می‌کند و بی‌برقی او را نیز کلافه کرده است. او به «هم‌میهن» می‌گوید: شاید خیلی از کارگاه‌داران و همکاران من بترسند و حرفی نزنند تا برای آنها در دسر نشود اما من اتفاقی که در این شهرک افتاده را باید بگویم. به خدا این وضعیت درست نیست، تا الان که گذشته اما نمی‌دانم از این به بعد را باید چه کنیم؟ یعنی قرار است این روال ادامه پیدا کند؟ دو سال است داستان قطعی برق را داریم، گاهی از قبل اعلام می‌کردند و گاهی روزها را اشتباه اعلام می‌کردند، مثلاً می‌گفتند پنجشنبه برق قطع می‌شود اما نمی‌شد و روز دیگر برق می‌رفت که همین نیز باعث ضرر و زیان ما می‌شد. الان نزدیک سه ماه است که چهار روز در هفته برق می‌رود و رشته کار از دستان در رفته است. در نزدیکی کارگاه من حدود چهارصد کارگاه قرار دارد که تقریباً هیچ‌کدام کار خاصی انجام نمی‌دهند و شاید پنج درصد آنها سفارش کار داشته باشند و بقیه مانند من هر روز می‌ایم، وقت را تلف می‌کنیم و به خانه برمی‌گردیم. اوضاع خیلی افتضاح است و من نمی‌دانم مسئولین می‌خواهند چه کنند؟ به خدا ما آبرودار هستیم، نان حرام سر سفره نبرده‌ایم و سعی کردیم شرمنده زن و بیچه خود نشویم. من پدر پیری دارم که حقوق بازنشستگی ندارد و خرج آن را هم می‌دهم اما به خدا قسم نمی‌دانم به او چه بگویم. در اینجا چندین و چند کارگاه و سوله ساخته شده، ایران واقعا کشور ثروتمندی است نباید به این روز بیفتد. بیشتر همکاران ما مستاجر و گرفتار هستند، ما سال‌های سال است که در این مملکت زندگی می‌کنیم و از هیچ رانتی هم استفاده نکرده‌ایم، حق ما نیست که اینگونه سختی بکشیم. اوضاع شهرک بسیار به‌هم‌ریخته است. یکی از همکاران ما مجبور شده تمام دستگاه‌های خود را بفروشد و بقیه نیز بیکار هستند. من یک کارگاه کوچک دارم، خودم کار می‌کنم، کارگر هم ندارم که بگویم خرج زیادی دارم اما به خاطر نوسانات برق و خرابی دستگاه‌ها حتی توان تعویض پمپ باد را هم ندارم و مجبور هستم آن را تعمیر کنم تا کار نخوابد. سفارشات مشتری‌ها به صفر رسیده. قبل از شروع جنگ دو سفارش داشتیم و تازه توانستم یکی از آنها را آماده کنم که همین را هم صاحب کار پول نداد و می‌گوید صبر کن تا پول به دستم برسد. قبل از این قطعی‌های برق هم با مشکل روبه‌رو بودیم و به سختی کار می‌کردیم و حالا در زندگی همه ما اختلال ایجاد شده است. کاش دولت کمکی کند تا ما هم بتوانیم این سختی‌ها و دشواری‌ها را رد کنیم. اینکه کل روز برق برود خیلی اتفاق عجیبی است، ما راضی هستیم دو یا سه ساعت برق کارگاه‌ها برود تا حداقل بدانیم چه‌کاره هستیم. اداره برق هم جواب درستی به ما نمی‌دهد و می‌گویند اگر صدای‌تان می‌رسد به بالاتری‌ها بگویید ما هم اینجا یک کارمند ساده هستیم. کار ما تعمیراتی میل است و معمولاً در طول سال کار داریم اما اوج کار ما در شب عید و دو ماه آخر سال است که حتی پارسال هم کاسب نبودیم. به جز اینکه هر روز قیمت اجناس بالا می‌رود باید به دنبال کارهای مالیاتی هم برویم و کاش حداقل اداره مالیات مراعات ما را بکند. در این اوضاع یک نفر نیامد در کارگاه را برزند و حالی از ما بپرسد، نه وامی می‌دهند و نه کمکی می‌کنند اما تا دلتان بخواهد مالیات و بیمه می‌گیرند در حالی که همه بیکار هستیم، اوضاع از بیخ و بُن مشکل دارد. به خدا من اگر زن و بیچه نداشتم مهاجرت می‌کردم، بالاخره هنری بلد هستم که به درد آنها بخورد، اتفاقاً چند نفر از همکاران ما به خارج رفتند و یکی از آنها به من می‌گفت کارهایی که شما انجام می‌دهید را در آلمان و بلژیک روی چشم‌شان می‌گذارند، به ما کارگاه داده‌اند و از ما حمایت می‌کنند. به‌هر حال ما هنری داریم که می‌توانیم با آن پول در بیاوریم اما اوضاع چنان کساد است که نمی‌دانیم چه کنیم و امیدواریم خدا فرجی کند و اوضاع بهتر شود. امیدوارم صدای من به مسئولان برسد، من از همین جابه‌آنی‌ام می‌گویم، باور کنید ما هموطن شما هستیم و در این کشور زندگی می‌کنیم، به خدا شرمند زن و بیچه خودمان شده‌ایم. اهل خلاف نیستیم و راه را درست می‌رویم، خواهش می‌کنم با ما اینگونه رفتار نکنید، چرا ما که کاسب هستیم باید جلوی کارگاه بنشینیم و زمین‌خواری و کوه‌خواری از ما بهتران را ببینیم؟ باید از من که زن و بیچه دارم و کار می‌کنم حمایت و کمک کنید و منابع را در اختیار ما بگذارید.

▶ دختر کارگر

از شهرک کمرد به سمت تهران که بیابید، روبه‌روی سعیدآباد، کارگاه‌هایی وجود دارد که به «صنعت ۲» معروف است. خیابانی است که در آن کارگاه‌های بزرگ و کوچک آهن‌گری، دستگاه‌های تزریق پلاستیک، دستگاه تراش آهن، CNC آهن و رنگ‌کاری وجود دارد و البته در بین آنها چند خانه مسکونی و نمایشگاه نیز هست. اینجا نه به اندازه شهرک کمرد اما با بی‌برقی مواجه هستند و کار و زندگی ساکنان آن را با مشکل مواجه کرده است.

مهران، چند سالی است که در این منطقه رنگ کاری دارد و هر روز از تهران به اینجا می‌آید، او درباره مشکلات پیش آمده از بی‌برقی اینگونه می‌گوید: «برق ما هر روز از ساعت یک تا سه می‌رود، من چون ساعت دقیق رفتن برق را می‌دانم تا قبل آن کارهای رنگپاشی را تمام می‌کنم تا رنگ در دستگاه پمپاژ نماند و کار را خراب نکند. معمولاً زمان استراحت و ناهار را می‌گذارم در زمانی که برق می‌رود، من همیشه هنگام اذان در حدود ساعت ۱۲ نماز می‌خواندم اما این روزها چون می‌دانم ساعت یک برق می‌رود کارها را انجام می‌دهم و در زمان بی‌برقی نماز می‌خوانم تا بیشتر از برق استفاده کرده باشم.»

البته همه نتوانسته‌اند مانند مهران برنامه کاری خود را با رفتن برق تنظیم کنند، او می‌گوید: «روبه‌روی ما کارگاه دستگاه CNC است، مشکلی که برای آنها به وجود آمده این بود که ناگهان برق رفت و سر مته دچار مشکل شد و مجبور شدند ۱۰۰ میلیون تومان بدهند و یک مته جدید بخرند.» بی‌نظمی در رفتن برق، آن هم در روزهایی که اوج کار است، مشکلاتی را برای کارگاه‌داران آنجانیز ایجاد کرده است: «شب عیدپارسال شهرک کمرد برق می‌رفت اما اصلاً برق منرفت که همین نیز باعث اعتراض اهالی کمرد شده بود، اما اگر این روند ادامه پیدا کند احتمال دارد برق ما نیز در روزهای قبل عید برود و چون معمولاً در آن روزها کارها زیاد است می‌تواند برای ما نیز مشکل ایجاد کند احتمالاً مجبور شویم صبح‌ها زودتر بیاییم و شب‌ها به ۱۰ تا ۱۱ شب در کارگاه بمانیم تا خلأ بی‌برقی را پر کنیم و حتی روزهای جمعه نیز سر کار بیاییم.» این روند اگر ادامه‌دار باشد، باید کم کم شاهد تعطیلی کارگاه‌های صنعت ۲ نیز بود، مهران در این باره می‌گوید: «به‌هر حال هستند کارگاه‌هایی که مجبور شدند به خاطر گرانی کرایه کارگاه و نبود کار تعطیل کنند، حتی شنیدم یکی از کارگاه‌داران دختر کوچک خود را سر کار آورده که قطعاً نمی‌تواند به خوبی کار کند اما در بی‌برقی مجبور است این کار را انجام دهد وگرنه باید به کارگر بدون اینکه کاری کرده باشد مزد دهد، اما اگر مزدی هم به دختر خود بدهد به اصطلاح از این جیب به آن جیب کرده است.»

▶ ۲۳۲ میلیون تومان پول برق دادیم

بی‌برقی به شهرک‌های صنعتی شرق تهران محدود نمی‌شود. در غرب پایتخت نیز شرایط همین است. یک شهرک صنعتی در ابتدای شهر قدس است با نام شهرک صنعتی اسماعیل‌آباد که به شهرک صنعتی شهر قدس نیز معروف است. مدیر یکی از چاپخانه‌های این شهرک در گفت‌وگو با «هم‌میهن» مصایب بی‌برقی را اینگونه تعریف می‌کند: حدود دو ماه است که هفته‌ای دو روز، شنبه و سه‌شنبه از حدود ساعت ۸ صبح برق می‌رود و حدود ۱۱ یا ۱۲ شب می‌آید و تقریباً دو روز کامل برق نداریم. جالب اینکه بر خی روزهای دیگر نیز به صورت دلخواه برق قطع می‌شود، مثلاً هفته پیش بدون اعلام قبلی ساعت ۵ عصر روز چهارشنبه تا یک بامداد برق رفت. هفته قبل آن نیز دو سه روز پشت هم برق رفت و ایام دهه محرم هر روز بعدازظهر برق

نداشتیم و هیچ‌کس هم پاسخگو نیست. در کنار این، قبض برق‌های نجومی برای ما می‌آید و وقتی اعتراض می‌کنیم می‌گویند ماخذا تغییر کرده و مقدار مصرفی که مثلاً ۳۰۰ واحد بوده به ۱۰۰ واحد رسیده اما پایه ماخذ آن از هزار به ۱۰ هزار رسیده است. کارمندان اداره برق که برای قطع برق می‌آیند ادعا دارند که رؤسا به آنها گفته‌اند این پول زوری است که باید بگیریم. من در اعتراض گفتم مسئولان گفته‌اند باید از صنایع و تولید حمایت شود که در جواب گفتند: «این حرف‌ها را برای زرنویس تلوزیون می‌گویند.»

اتفاق جالبی هفته پیش برای ما افتاد؛ پیامکی برای ما آمد که ۹۲ میلیون تومان بدهی برق دارید. خیلی تعجب کردیم و وقتی پیگیری کردیم گفتند نرخ‌ها زیاد شده است و باید پرداخت شود. تاریخ مهلت پرداخت ۲۴ تیرماه بود که همان روز توسط عابر بانک پرداخت کردیم، اما فردا صبح همکاران به من خبر دادند که از اداره برق آمده‌اند که برق را قطع کنند و می‌گویند بدهی دارید. وقتی به ماموران اعتراض کردیم که قبض را پرداخت کرده‌ام به کاغذی که در دست داشتند اشاره کرده و گفتند اسم‌شمار در فهرست قطع برق صنایع است. گفتیم با رؤسای خود تماس بگیریم تا با آنها صحبت کنم، یکی از ماموران با موبایل به خانومی رنگ زد که به نظر رئیس بالادست او بود، من صدای آن خانم را از پشت گوشی می‌شنیدم که جیغ‌بنفش می‌کشید و می‌گفت: «چرا به صاحب‌کار خبر دادید و اگر برق را قطع نکنید حقوق‌تان را قطع می‌کنم.» مامور گفت که دستگاه‌های چاپخانه روشن بود و نمی‌توان برق‌شان را قطع کرد و بدهی خود را هم پرداخت کرده‌اند که باز آن خانم معترض شد که چرا برق‌شان را قطع نکردید. به مامور دیگر گفتم با رئیس بالادست این خانم تماس بگیریم که با یک آقای تماس گرفت که آن آقای‌دتر از آن خانم بود و به ماموران گفت دیگر حق ندارید به شرکت برق برگردید. حق نداشتید به صاحب چاپخانه اطلاع دهید. ماموران گفتند ما فیش پرداخت قبض برق ۹۲ میلیون تومانی را دیده‌ایم اما رؤسای آنها قبول نکردند. بالاخره یکی از ماموران برگه‌ای را در موبایل خود به ما نشان داد که گفت در سایت «برق من» نیز موجود است که البته ما هر چه گشتیم ندیدیم، در آن برگه آمده بود که برقی را به عنوان ترانزیت در پایین قبض مشخص کرده‌اند و بر آن اساس ما باید ۱۴۱ میلیون تومان دیگر پرداخت کنیم. هر چه اعتراض کردیم و گفتیم بر اساس کدام حساب و کتاب چنین رقمی را باید پراخت کنیم و حداقل آن را قسطی کنید، هیچ‌کس جواب ما را نداد. در نهایت قبض جدید را پرداخت کردیم و در حقیقت در عرض ۲۴ ساعت ۲۳۲ میلیون تومان پول برق دادیم اما همچنان برق‌مان هفته‌ای دو روز قطع می‌شود و هیچ‌کس هم پاسخگو نیست. بی‌برقی را نباید فقط تعطیلی چندساعته کارگاه‌ها و مغازه‌های کوچک و بزرگ دید بلکه با رفتن برق، چرخشی از کار می‌افتد و کارگری بی‌کار می‌شود. چرخه معیوب بی‌برقی، زندگی هزاران نفر از افرادی که نان خود را از شهرک صنعتی کمرد و مانند آن در می‌آورند را به مخاطره انداخته و به جز آسیب‌های اقتصادی باید منتظر آسیب‌های اجتماعی آن نیز باشیم؛ کارگر و کارفرمایی که نان ندارند، دختری که جور بی‌پولی پدر را باید بکشد، مغازه‌داری که به فکر رفتن از کشور است و آنکه بعد از سال‌ها زندگی مشترک به بن‌بست خورده، انبار باروتی هستند که نه یک جرقه آتش بلکه نبود برق آنان را شعلهور خواهد کرد.

روایت‌های تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی تلخ است. قصه تلخ‌تر هم می‌شود وقتی تعطیلی مدام واحدها، خود را در رشد اقتصادی فصلی و سالانه نشان دهد. آن وقت مسعود یزشکیان که قول تحقق اهداف برنامه هفتم و رشد ۸ درصد را داده، چه جوبلی برای سقوط رشد اقتصاد خواهد داشت؟

بخش خصوصی

کاهش قیمت برنج تا دو هفته آینده

قیمت برنج در بازار نزولی شده و با ورود محصول جدید در دو هفته آینده، این روند کاهش‌ی تشدید می‌شود. به گزارش ایسنا، محمد مختار یاسی، رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران با اشاره به شرایط حال حاضر بازار برنج، گفت: در حال حاضر قیمت برنج ایرانی نیز با شیب مناسبی نزولی شده و چون تا دو هفته دیگر محصول جدید وارد بازار می‌شود شیب این کاهش قیمت تندتر می‌شود و نرخ و برنج به رقم متعادلی می‌رسد. او درباره اینکه گفته می‌شود افزایش قیمت برنج به نفع کشاورزان نیست و سودی به جیب کشاورز نمی‌رود، عنوان کرد: با توجه به ارتباطات گسترده‌ای که در شمال کشور با کشاورزان داریم، کشاورزی را نمی‌شناسیم که عمده محصول خود را اول فصل فروخته باشد. کشاورزان بخشی از محصول خود را ابتدای فصل می‌فروشند، بخشی را نگه می‌دارند در دورانی مثل اواخر پاییز یا ایام پایانی سال به فروش می‌رسانند بنابراین اینکه گفته می‌شود کشاورز هیچ سودی نمی‌کند اظهار نظر درستی نیست.

توزیع اجباری روغن با دیگر کالاها

اکنون توزیع اجباری روغن همراه با دیگر کالاها توسط شرکت‌های پخش انجام می‌شود که این امر چالش‌هایی ایجاد کرده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، رضا کنگری، رئیس اتحادیه بکشداران مواد غذایی با بیان اینکه توزیع اجباری روغن همراه با دیگر کالاها ادامه دارد، گفت: به‌رغم افزایش قیمت توزیع اجباری روغن همراه با دیگر کالاها توسط شرکت‌های پخش انجام می‌شود که این امر باید مورد نظارت و بررسی قرار بگیرد. کنگری با بیان اینکه ۷۰ درصد توزیع در اختیار صنف عمده‌فروشی است، افزود: در مسائل تنظیم بازار صنف دیده نشده که براین اساس بدیهی است که امر توزیع به‌درستی انجام نمی‌شود. برخی که عمده‌فروش ۲۵۰ هزار تومان خریداری کرده امکان فروش با نرخ ۲۰۰ هزار تومان را ندارد به‌طوری‌که به‌رغم ارائه فاکتور مشمول جریمه می‌شویم.

افزایش ۳۰ درصدی تولید کره

رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک صنعتی از افزایش ۳۰ درصدی تولید کره خبر داد و گفت: بنابر آمار تولید ماهانه کره به ۱۲ هزار تن رسیده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، سیاوش سلیمی گفت: بنابر آمار ماهانه ۴ هزار تن و حداکثر ۵۰ هزار تن در سال کره مصرف می‌شود، افزایش ۳۰ درصدی قیمت شیر خام منجر به افزایش تولید شیر خشک و کره در کشور شده است. او عنوان کرد: بنابر آمار در ۲ ماهه اول امسال صادرات کره ۱۸ درصد نسبت به سال قبل رشد داشته که در مقایسه با صادرات شیر خشک رقم کمتری است، بنابراین عدم توازن صادرات شیر خشک و کره منجر به کاهش قیمت چربی و زیان‌ده شدن واحدهای شیر خشک شده است. سلیمی از افزایش ۳۰ درصدی تولید کره خبر داد و گفت: بنابر آمار ماهانه ۱۲ هزار تن کره تولید می‌شود که با توجه به اقتصادی بودن تولید شیر خام، روند روبه افزایش خواهد بود.

ادامه سر مقاله

در مقابل، اگر مسائل کوتاه‌مدت و در این مورد خاص تحمل و رضایت یا عدم رضایت مردم برپایان اولویت داشته باشد؛ چاره‌ای نیست جز اینکه برق صنعت و تولید قطع شود. چون مردم اعتراض می‌کنند و به درخواست حکومت برای همراهی با کاهش و قطع برق پاسخ مثبت نمی‌دهند. این وضعیت از همان سال ۱۴۰۰ و با سیاست دولت رئیسی اجرایی شد. شرکت‌های بزرگ فولادسازی، پتروشیمی و سیمان که همگی نقش مهمی در اقتصاد کشور دارند، با قطعی برق مواجه شدند و جرات چون و چرا هم نداشتند تا مردم در آرامش باشند. ولی نتیجه معلوم بود. این سیاست ناشی از فقدان اعتماد میان دو طرف بود و تداوم قطعی برق برای صنایع نوعی دادن امتیاز کذرا به اکنون مردم از جیب آینده مردم بود. این مسئله همچنان هست و هنوز هم نتوانستند حل کنند و بدتر اینکه در وضعیت جنگی می‌تواند تعابیر دیگری نیز از آن بشود. همبستگی ملی جانشین اعتماد اجتماعی نمی‌شود؛ برای سنجش میزان اعتماد و حتی همبستگی، بهتر است سیاست بلندمدت را انتخاب کرد.